



دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه جهت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بررسی شیوه‌های روایت‌پردازی در آثار بلقیس سلیمانی

استاد راهنما:

دکتر محمد امیر عبیدی‌نیا

نگارش:

سوما کریمی

زمستان ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به

مادر مهربان و پدر بزرگوارم

که حریر وجودشان برایم سراسر عشق بود و محبت

و بودنم برایشان جز رنج و سختی نداشت.

تقدیم به

یحیی عزیزم

که با قلبی سرشار از عشق صبورانه برای نگرشی نو به جهان ادبی و گام نهادن در این وادی چشم و چراغم شد.

تقدیم می‌دارم

این ناچیز را، اگر قدریست، به پیشگاه زادگاه زیبایم کردستان همیشه سرسبز.

تشکر بیکرانم را به خدمت استاد بزرگوار جناب آقای دکتر محمد امیر
عبیدی نیا که دلسوزانه گام‌های لرزانم را قوت بخشیدند و راهنمایی‌ام
کردند عرضه می‌دارم.

شایسته می‌دانم از برادر گرامی جناب آقای دکتر بزدوده به خاطر راهنمایی-
هایشان کمال تشکر را داشته باشم، همچنین از مشاوره‌ها و دلگرمی‌های خانم
دکتر علی اکبری سپاسگزارم.

چکیده

روایت‌شناسی رویکردی نوین و ساختارگراست که در حوزه‌ی مطالعه‌ی ادبیات داستانی در پی یافتن دستور زبان داستان، کشف زبان روایت، نظام حاکم بر انواع روایی و ساختار آن‌ها است. پایان‌نامه‌ی حاضر تلاشی است در جهت مطالعه و تحقیق پیرامون شیوه‌های روایت‌پردازی در آثار داستانی بلقیس سلیمانی. مطالب پایان‌نامه در سه فصل گردآوری شده است. در ابتدای پژوهش سعی بر آن بوده به همراه تاریخچه‌ی کوتاهی که از روایت‌شناسی ارائه می‌شود، نظریات برخی از نظریه‌پردازان مهم در این حوزه مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد. در گام بعدی تجزیه و تحلیل مهم‌ترین عناصر روایی از قبیل شیوه‌های روایت، الگوهای روایی، زاویه‌ی دید، شخصیت‌پردازی و پیرنگ... مدنظر قرار گرفته است. در مرحله‌ی عملی کار پس از استخراج داده‌های قابل بررسی از لابلاهای آثار مختلف سلیمانی به تحلیل آن‌ها منطبق با دانسته‌های علمی، تکنیک‌ها، عناصر و اجزای مهم و اساسی اخذ شده از اندیشه‌ی بزرگان علم روایت از منظر ساختار روایی و تا حدی محتوایی پرداخته شده است. البته در بعضی از داستان‌ها برخی از تکنیک‌ها و عناصر وجود داشته که از آن میان سعی شده آن‌هایی که برجستگی خاصی دارند مورد کاوش و بررسی ویژه قرار گیرند. بر اساس تحقیقات انجام شده آن‌چه در نگاه اول آثار سلیمانی را تازه و حاوی نوآوری و بدعت ساختار شکنانه نشان می‌دهد، ابتدا سبک روایی خاص نویسنده است و پس از آن می‌توان به دخل و تصرفی اشاره کرد که نویسنده به یاری تخیلش در واقعیات بیرونی اعمال کرده تا داستانی جالب و جذاب صورت دهد. همچنین پرداخت چرخش‌های ناگهانی زاویه‌ی دید در تمامی آثار سلیمانی بخشی از مهم‌ترین عوامل جذابیت آثار این نویسنده می‌باشد.

واژگان کلیدی

روایت‌شناسی، عناصر روایی، نظریه‌ی ادبی، بلقیس سلیمانی، پسامدرنیسم، مینی‌مالیسم

فهرست مطالب

عنوان

چکیده

واژه‌های کلیدی

صفحه

مقدمه..... ۲

مسأله تحقیق..... ۲

فرضیه‌های تحقیق..... ۳

پیشینه‌ی تحقیق..... ۳

اهداف تحقیق..... ۴

روش تحقیق..... ۵

بیان دشواری‌های تحقیق..... ۵

فصل اول

کلیات

روایت..... ۸

روایت‌گری و علم روایت‌شناسی..... ۹

پیشینه نظریه‌ی روایت..... ۱۱

الگوی ارتباط روایی..... ۱۵

راوی..... ۱۸

ب

- ۱۹..... شخصیت و شخصیت‌پردازی
- ۲۱..... شخصیت از دیدگاه فرمالیست‌ها و ساختارگرایان
- ۲۲..... طبقه‌بندی شخصیت
- ۲۳..... شخصیت‌پردازی
- ۲۵..... رخداد
- ۲۷..... زاویه‌ی دید
- ۳۴..... پیرنگ
- ۳۶..... گره‌افکنی
- ۳۷..... کشمکش
- ۳۷..... تعلیق (هول و ولا)
- ۳۷..... بحران
- ۳۸..... نقطه‌ی اوج (بزنگاه)
- ۳۸..... گره‌گشایی
- ۳۹..... زمان
- ۴۱..... نظم و ترتیب
- ۴۲..... تداوم
- ۴۳..... بسامد
- ۴۴..... مکان

۴۴	سطوح روایی.....
۴۵	بازنمایی گفتار و اندیشه.....
۴۶	جریان سیال ذهن.....
۴۸	داستان مینی مالیستی.....
۴۹	پیشینه‌ی مینی مالیسم.....
۵۱	ویژگی‌های داستان‌های مینی مالیستی.....
۵۳	سیر داستان‌نویسی در ادبیات معاصر ایران.....
۵۸	شرح مختصری از احوال بلقیس سلیمانی.....

فصل دوم

تحلیل عناصر روایی در آثار داستانی بلقیس سلیمانی

۶۱	بخش اول: بازی آخر بانو.....
۶۱	خلاصه رمان بازی آخر بانو.....
۶۳	تحلیل عناصر روایی رمان بازی آخر بانو.....
۷۸	شخصیت پردازی.....
۸۶	پیرنگ (طرح).....
۸۹	بخش دوم: خاله بازی.....
۸۹	خلاصه رمان خاله بازی.....
۹۱	تحلیل عناصر روایی رمان خاله بازی.....

- شخصیت‌پردازی..... ۹۷
- پیرنگ..... ۱۰۱
- سطوح روایی در *خاله بازی*..... ۱۰۳
- بخش سوم: به هادس خوش آمدید..... ۱۰۴
- خلاصه‌ی رمان به هادس خوش آمدید..... ۱۰۴
- تحلیل عناصر روایی رمان به هادس خوش آمدید..... ۱۰۶
- پیرنگ..... ۱۱۵
- زمان..... ۱۱۵
- مکان..... ۱۱۷
- بررسی نقش رخداد در رمان‌های سلیمانی..... ۱۱۸
- بخش چهارم: روز خرگوش..... ۱۱۹
- خلاصه‌ی داستان روز خرگوش..... ۱۲۰
- تحلیل عناصر روایی روز خرگوش..... ۱۲۱
- شخصیت‌پردازی..... ۱۲۳
- بخش پنجم: تحلیل مجموعه داستان‌های *بازی عروس و داماد و پسری که مرا دوست داشت*..... ۱۲۶
- درون‌مایه‌ی داستان‌های سلیمانی..... ۱۲۸

فصل سوم

دیگر تکنیک‌ها

۱۳۱.....مؤلفه‌ی تکرار در رمان‌های سلیمانی

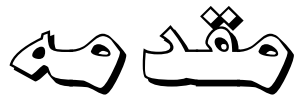
۱۳۴.....تکنیک‌های پسامدرن در آثار بلقیس سلیمانی

۱۴۰.....نتیجه‌گیری

۱۴۵.....واژه‌نامه

۱۵۱.....منابع

۱۵۸.....Abstract



مسأله‌ی تحقیق

روایت اصطلاحی عام است که برای هر آنچه قصه، داستان یا حکایتی را نقل می‌کند به کار می‌رود. در زبان انگلیسی نیز اصطلاح *narrative* به هر قسم روایتی که دارای حادثه، شخصیت و نقل گفتار و اعمال شخصیت‌ها باشد خواه نظم یا نثر اطلاق می‌شود (داد، ۱۳۸۷: ۲۵۳). روایت به زعم ارسطو آن چنان که در بوطیقا آمده است به دو گونه‌ی روایت توسط راوی و روایت توسط شخصیت‌های داستان تقسیم می‌شود اما با گذشت زمان امروزه طرح مسایلی دیگر این نظریه را دچار تحول کرده است. پی‌ریزی مبانی نظری روایت-شناسی معاصر بر پایه‌ی فرمالیسم روسی و زبان‌شناسی سوسور بود و «روایت‌شناسی ساختارگرا در دو جهتی که توماشفسکی *fabula* و *syuzhet* نامید به پیش رفت» (مکاریک، ۱۳۸۵: ۱۵۱). فرمالیست‌های روسی با جدا ساختن این دو جزء در پیرنگ داستان در پی یافتن رمزهایی بودند که بتوان ادعا کرد، در ترکیب عناصر داستان به کار می‌روند و در پیرنگ متجلی می‌شوند، تا از این راه بتوانند بر حسب قواعد روایت و ساختارهای داستان‌هایی با موضوع مشترک دستور زبان روایت را استخراج کنند. روایت بنابر تعریف ارائه شده می‌تواند دربرگیرنده‌ی انواع (ژانر) کهن یا جدید ادبیات داستانی باشد. حماسه و عشق‌نامه از انواع قدیم و منظوم روایت هستند و رمان یک نوع داستانی (منثور).

بلیس سلیمانی، متولد ۱۳۴۲ در کرمان، نویسنده، منتقد و تهیه‌کننده‌ی معاصر ایرانی است که بیشتر با سه‌گانه‌اش: *بازی آخر بانو*، *خاله بازی* و *بازی عروس و داماد* که دو رمان و یک مجموعه داستان هستند شناخته شده است. نقش محوری آثارش را زنان ایفا می‌کنند و با روایتی نو، رویدادهای سیاسی اجتماعی دهه‌ی شصت را بازگو می‌کند. سلیمانی تاریخ را در آثارش از نو روایت می‌کند و به انسان‌های حاشیه‌ای می‌پردازد؛ خود او در جایگاه شخصیت داستان ایفای نقش می‌کند و همان‌گونه که اظهار می‌دارد: «ما مثل نسل امروز در تعطیلات

تاریخ به سر نمی‌بردیم» (نقل از سومین جلسه از نشست‌های ادبی مرکز آموزش‌های ادبی دانشگاه تهران). او می‌گوید: «نسل من خودیابی کرد، فکر می‌کردیم که می‌خواهیم دنیا را عوض کنیم؛ پس اقدام به عمل می‌کردیم.» (همان). با این گفته‌ها روایتی که ایشان در آثارش ارائه می‌کند از لونی دیگر بوده و در خور بررسی و تحلیل خواهد بود. در این پژوهش به دنبال تحلیل شیوه‌های روایت‌پردازی این داستان‌نویس معاصر هستیم. می‌خواهیم بدانیم تکنیک‌های روایت در آثار وی چگونه بوده و این نویسنده چگونه با بهره‌گیری از تکنیک‌های روایت آثارش را متفاوت و برجسته ساخته است؟

فرضیه‌های تحقیق

فرضیات این تحقیق عبارتند از:

- آثار بلقیس سلیمانی دارای شیوه‌های خلاق روایت‌پردازی هستند.

- نظریات روایت‌شناسی در تحلیل یک اثر روایی می‌توانند راهگشا باشند.

پیشینه‌ی تحقیق

بلقیس سلیمانی روستازاده‌ی فلسفه‌خوانده‌ای که بعد از یک عمر خواندن و نقدنویسی ادبی در مطبوعات به یک باره در دهه‌ی چهارم زندگی‌اش با انتشار رمان‌های *بازی آخر بانو*، *خاله بازی*، *به هادس خوش آمدید*، *روز خرگوش* و دو مجموعه‌ی داستان مینی مالیستی *بازی عروس و داماد* و *پسری که مرا دوست داشت* به عنوان نویسنده‌ی حرفه‌ای وارد عرصه داستان‌نویسی شده؛ و با چاپ‌های متعددی که آثارش داشته موقعیت و جایگاه خود را در این عرصه تثبیت کرده است. با توجه به این که سلیمانی در حیطه‌ی داستان‌نویسی نویسنده‌ای تازه کار محسوب می‌گردد و هنوز یک دهه از ورودش به عرصه‌ی پر پیچ و خم داستان‌نویسی نمی‌گذرد، آن چنان که باید موضوع قرائت قرار نگرفته است؛ و شاید به دلیل فرهنگ جامعه‌ی مرد سالار هیچ گاه این امر در سطحی وسیع صورت نگیرد. با این اوصاف تاکنون در خصوص آثار ایشان اثر و نقد قابل توجه و چشمگیری مشاهده نشده است. تنها در این میان می‌توان به مقالات کوتاه و مختصری که همگی نگاهی کلی به آثار داستانی این نویسنده داشته‌اند اشاره کرد البته پایان‌نامه‌هایی نیز در باب وی نوشته شده که ارتباط چندانی با موضوع این پایان‌نامه ندارند. برخی از آثار نگاشته شده در این مورد از قرار زیر است:

تحلیل ساختاری *رمان‌های بلقیس سلیمانی* عنوان پایان‌نامه‌ایست از آسیه کیا، دانشگاه الزهراء، که به رمان‌های این نویسنده با نگاه ساختاری پرداخته است. *بازی تمام نشده* مریم بصیری در مورد رمان *بازی آخر بانو* به معرفی نویسنده به عنوان مدیر گروه مطالعات فرهنگی رادیو فرهنگ پرداخته، و سپس به بیان این موضوع می‌پردازد که رشته‌ی تحصیلی سلیمانی، فلسفه تا چه اندازه بر داستان‌هایش تأثیرگذار بوده است. این مبحث هم که آثار داستانی سلیمانی در ردیف کدام دسته از آثار کلاسیک یا مدرن قرار می‌گیرد بخشی دیگر از جستار فوق است. *بازی‌هایی روایی بی‌پایان بازی آخر بانو*؛ که به تحلیل رمان در یک نگاه کلی و اشاره به شگردهای روایی متنوعی که نویسنده در روایت این اثر انتخاب کرده می‌پردازد، و نیز مشتمل است بر نقد و بررسی حضور خود نویسنده در فصل پایانی داستان که توسط خبرگزاری مهر گروه ادب و فرهنگ منتشر شده است.

خاله بازی سرنوشت زن ایرانی را دنبال می‌کند؛ نقد و معرفی رمان *خاله بازی* در یک صفحه توسط عنایت سمیعی، میترا الیاتی، لادن نیکنام، شهلا زرلکی؛ به ویژگی‌های رمان به مثابه ژانری متعلق به خودآگاهی تاریخی انسان پرداخته و در کل به نقد محتوای داستان در رابطه با پرداخت نویسنده از پدیده‌ی دو همسری اشاره دارد. پیچیدگی‌های *رمان انسان شهری*؛ نگاهی به رمان *روز خرگوش* نوشته فرحناز علیزاده؛ در این نوشته، نویسنده به بررسی محتوای اجتماعی *روز خرگوش* و بیان این مسئله که سلیمانی در این رمان و دیگر آثارش از منظر ایدئولوژی‌ای که انتخاب کرده به نوعی منتقد وضعیت موجود و گذشته است پرداخته. *داستان معاصر ایران*؛ نقدی بر *روز خرگوش* توسط رضا بردستانی، حمید نور شمسی. نویسندگان و منتقدان در این مقاله‌ی دو صفحه‌ای *روز خرگوش* را به دلیل اینکه موضوع و دغدغه‌ی هستی‌شناسانه‌ای در آن مطرح نشده مورد بررسی قرار می‌دهند. پسامدرنیسم در آثار بلقیس سلیمانی سعید سبزیان، در نگاهی کوتاه به سیر تکوینی سه اثر *بازی آخر بانو*، *خاله بازی* و *بازی عروس و داماد* به بررسی برخی از وجوه پسامدرنیسم ادبی در آثار داستانی بلقیس سلیمانی می‌پردازد. *پیام داستان: فولاد چگونه آبدیده شد؟ خوانش رمان بازی آخر بانو* نژند بیزکی که به مروری کلی بر این رمان اختصاص دارد. البته لازم به ذکر است در بعضی از صفحات و وبلاگ‌ها به شکلی بسیار مختصر و جزئی نظرات و دیدگاه‌های متفاوت و در پاره‌ای موارد سلیقه‌ای پیرامون این آثار وجود دارد که با صرف نظر از آوردن آن‌ها فقط به آن چه می‌تواند شناختی کلی و مفید به مخاطب ارائه نماید اکتفا شده است.

اهداف تحقیق

موارد زیر از اهداف نگارنده در پژوهش حاضر می‌باشد:

- شناخت و آشنایی با نظریات روایت‌شناسی
- شناخت تکنیک‌ها و شیوه‌های روایت‌پردازی
- آشنایی با سبک روایی و نحوه‌ی دخالت نویسنده در دگرگون ساختن واقعیات بیرونی برای تبدیل شدن به داستان توسط بلقیس سلیمانی.
- آشنایی با تکنیک روایی ویژه‌ای که نویسنده با دادن وجهی برون‌متنی و گزارش‌گونه به داستان داده است.

روش تحقیق

نگارنده در این پژوهش شیوه‌ی کار و تحقیق خود را مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و به صورت تحلیلی و توصیفی قرار داده است. در پژوهش حاضر تلاش شده در ابتدای امر تعریفی از علم روایت و روایت‌شناسی و بیان تاریخچه و پیشینه‌ی مختصری از علم روایت و نظریه‌های روایی تا به امروز ارائه گردد. در ادامه با تفکیک عناصر اصطلاحات رایج و مهم در علم روایت‌شناسی به تعریف آن‌ها و بیان رویکردهای متفاوتی که در مورد هر کدام از این اصطلاحات توسط نظریه‌پردازان، به ویژه نظریه‌پردازان دو مکتب مهم فرمالیسم روسی و ساختارگرای فرانسوی، که در طی دو قرن اخیر در مورد علم روایت‌شناسی مطرح شده است پرداخته شده است. با استفاده از این دیدگاه‌ها که شالوده و اساس علم روایت‌شناسی بر آن‌ها استوار است سعی شده تبیین و توضیح عناوین و اصطلاحات مهم و اساسی که از عناصر اصلی داستان‌نویسی معاصر محسوب می‌شود صورت پذیرد. سپس در مبحثی دیگر با استخراج داده‌های لازم و مهم در تحلیل داستان‌ها و منطبق با علم روایت‌شناسی به شرح و بسط آن‌ها همراه با بیان شیوه‌ی نویسنده در چگونگی کاربرد این اصطلاحات در متن داستان‌ها پرداخته شده تا به طور علمی توصیف آثار از چشم‌انداز ساختار و محتوا انجام بگیرد. اگر چه امکان دارد در مواردی ناگزیر نقد و تحلیلی درباره‌ی مقوله‌ای از مقولات ارائه شده باشد. (به عنوان نمونه حسن و قبح اثری با توجه به داده‌ها و دستاوردهای خود به بوت‌هی نقد سپرده شده باشد). اما در کل سعی گردیده امانت در استفاده از تمامی مراجع و منابع رعایت شود.

بیان دشواری‌های تحقیق

از مشکلات و دشواری‌هایی که در امر تحقیق گریبانگیر نگارنده بود می‌توان به مواردی اشاره کرد. از جمله این‌که: سلیمانی در آثار خود گاهی از مفاهیمی کلیدی استفاده کرده است که هر کدام به نوعی به شیوه‌ی روایت‌پردازی او و تکنیک‌های روایی وی ربط پیدا می‌کند، اما از آن جای که مدل نظری کار در این پژوهش چارچوب خاصی داشته، گاهی، در این‌که این مسائل کجا مطرح گردند چالش‌ها و سر درگمی‌هایی پیش‌روی نگارنده قرار داده است. به عنوان مثال واژه‌ی «بازی» نویسنده آن را در عنوان سه اثر و در روایت کلی آثار به خدمت گرفته تا جای که در بعضی از قسمت‌ها دریافت مفهوم واقعی داستان منوط به درک مفهوم این واژه و کشف رابطه‌ی آن با اصل موضوع داستان می‌باشد. و با وجود اهمیت آن _بازی_ در متن داستان، درک این موضوع که در ذیل کدام بخش یا بخش‌ها مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد، نگارنده را با مشکل مواجه ساخته است. مورد بعدی که به عنوان یکی دیگر از دشواری‌های تحقیق مسئله ساز بود این است که: با علم به این‌که نویسنده یک زن است و در آثار خود برای پرداختن به مسائل زنان از شخصیت‌های اصلی زن بهره می‌گیرد. و با وجود این‌که شخصیت و شخصیت‌پردازی در بررسی‌های روایی جایگاه خاصی دارد اما تقسیم‌بندی جزئی‌تری برای پرداختن به یک شخصیت اصلی زن با دغدغه‌ها و مشکلات خاص اجتماعی گریبانگیر زنان در نظریه‌ی روایت در دست نیست؛ این در حالی است که زن بودن شخصیت در آثار مورد بررسی جایگاه خاص و قابل توجهی دارد. همچنین وسعت حوزه‌ی روایت از نظر تعداد نظریه‌پردازی که در موارد گوناگون و بخش‌های مختلف روایت ایده‌های مختلف و پرشماری ایراد کرده‌اند، نگارنده را بر آن داشته تا به گزینش و انتخاب دست زده و بهترین الگوی روایی را برای داستان‌های مورد بررسی پیاده کند. این مسأله همچنین باعث شد که شکل اصلی شماری از نام‌ها و تاریخ ولادت و وفات صاحبان نظریه‌ها، برغم مراجعه به منابع انگلیسی و به‌روز اینترنتی همچون ویکی‌پدیای انگلیسی و با وصف صرف زمان زیاد، سرانجام به دست نیاید.

مشکل مهم دیگری که بر سر راه انجام پژوهش وجود داشت؛ عدم وجود منبعی مؤثق در رابطه با روایت و روایت‌پردازی در ادبیات ایران پیش و پس از اسلام در جهتی مرتبط با مطالب و نظریات مطرح شده در پایان نامه است، و همین عامل خود امکان تحلیل و بررسی روایت‌شناسی را برای بنده، در این برهه از تاریخ ایران را با مشکل مواجه ساخته است. همچنین عدم وجود منبع یا منابع مؤثق و مطمئن در رابطه با زندگی‌نامه‌ی سلیمانی و شرایط، اوضاع و احوالی که نویسنده و استعداد‌های او در آن به رشد و بالندگی رسیده‌اند، می‌باشد. از این رو جز مختصر مطالبی که در مصاحبه‌ها و جلسات نقد و بررسی توسط خود ایشان عنوان شده علیرغم تلاش بسیارمطلب دیگری به دست نیامد.

فصل اول

کلیات

روایت

منطق زندگی بشر پیش از آن که بر اساس رابطه‌ی علی و معلولی باشد مبتنی بر منطقی داستانی است. این رخدادهای هستند که زندگی ما را نقش می‌دهند و هر داستانی توالی رخدادهای در بستر زمان است. هر داستانی، روایت است؛ روایتی از رخدادهای. از این رو انسان برای درک پدیده‌های جهان پیرامون خویش به روایت و شناخت آن نیازمند است. از همان آغاز کودک با شنیدن قصه‌های جن و پری، داستان‌های تخیلی و درک افسانه‌ها و داستان‌های کهن به بازیابی شخصیت خود و روان‌آگاه و نیمه آگاه خود می‌پردازد. و روایت‌ها به کودک کمک می‌کنند تا تجربه‌های آینده را در میان رخدادهای سامان دهد.

از مباحث اساسی و کلیدی در بررسی داستان، بحث روایت است. «روایت معرف زنجیره‌ای از رخدادهاست که در زمان و مکان (فضا) واقع شده است. نه تنها در ادبیات، بلکه در دیگر پاره‌گفتارهای فرهنگی که ما را در بر گرفته‌اند با روایت رو به رو هستیم. بخشی از اهمیت روایت و علاقه و شیفتگی ما به آن از این امر ناشی شده که روایت نه فقط در شکل‌های مختلف بیان فرهنگی، بلکه در الگوی تجارب خود ما و نیز بینش ما از زندگی نقش بنیادی ایفا می‌کند» (لوته، ۱۳۸۸: ۹). روایت‌ها حاصل کنش‌گری‌اند؛ یعنی ابزاری هستند که کسی با آنها داستان را برای کسی دیگر باز می‌گوید. روایت‌ها داستان را باز می‌نمایند و این کار را به شیوه‌ای صورت می‌دهند که ارتباط عامل‌های کنش بر آن استوار است (کوری، ۱۳۹۱: ۲۳).

اگرچه نمی‌توان روایت را محدود به قصه و داستان کرد ولی می‌توان برای آن جنبه‌های عام‌تری را در نظر گرفت. روایت به طور خاص یک داستان است؛ به صورت مجموعه رخدادهای در قالب زنجیره‌ی زمانی. بنابراین، روایت آن چیزی است که داستان را بازگوید یا نمایش دهد و این نمایش یا بازگویی باید در برهه‌ای از زمان باشد.

«روایت، بازگویی اموری است که به لحاظ زمانی و مکانی از ما فاصله دارند گوینده حاضر و ظاهراً به مخاطب و قصه نزدیک است اما رخدادها غایب و دورند.» (تولان، ۱۳۸۳: ۱۶).

با وجود حضور گوینده و غیبت رخدادها، روایت توان این را دارد که امور غایب و دور را به شیوه‌ای نامتعارف حاضر جلوه دهد. روایت می‌تواند سه مؤلفه‌ی قصه، گوینده و مخاطب را در مراتب مختلف نزدیکی و دوری ارائه دهد. صاحب‌نظران بر حسب مکتب‌های گوناگون، تعاریف متعددی از روایت مطرح کرده‌اند. بعضی مانند رولان بارت^۱ (۱۹۸۰-۱۹۱۵) «روایت را به معنی عام و کلی آن در نظر داشته و آن را در تمام جلوه‌های فرهنگی بشری مانند ادبیات داستانی، ادبیات نمایشی، سینما، فکاهی، تاریخ، خبر و گفت‌گو، متجلی می‌داند» (مکوئیلان، ۱۳۸۸: ۱۶۹). روایت در رسانه‌های مختلف وجود دارد، اما همه‌ی روایت‌ها داستانی نیستند، «ماهیت کلامی است، که روایت داستانی را از روایت در دیگر رسانه‌ها مثل فیلم، رقص یا پانتومیم، متمایز می‌کند» (ریمون -کنان، ۱۳۸۷: ۱۰). اسکولز^۲ و کلاگ در کتاب ماهیت روایت آن را این گونه تعریف کرده‌اند: «کلیه متون ادبی را که دارای دو خصوصیت وجود قصه و حضور قصه‌گو است می‌توان یک متن روایی دانست»، البته حضور قصه‌گو می‌تواند آشکار یا ضمنی باشد (اخوت، ۱۳۷۱: ۸-۱۰). و نیز گفته‌اند در حوزه‌ی ادبیات داستانی، روایت عبارت است از «نقل حادثه‌ی واقعی یا خیالی یا سلسله‌ی پیوسته‌ای از حوادث از دهان یک راوی یا طرف خطاب» (کادن، ۱۳۸۰: ۲۵۷). در تعریفی دیگر، کوری روایت‌ها را دست‌ساخته‌هایی ارتباطی می‌داند مواردی که به گونه‌ای ساخته و پرداخته شده‌اند که هدف از آن‌ها نه تنها بازنمایی بلکه انتقال نیز هست. (کوری، ۱۳۹۱: ۸۳).

روایت‌شناسی مجموعه‌ای از احکام کلی درباره‌ی ژانرهای روایی، نظام‌های حاکم بر روایت (داستان‌گویی)، و ساختار پیرنگ است. تاریخ روایت‌شناسی را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد: دوره‌ی پیش ساختارگرا (تا ۱۹۶۰)، دوره‌ی ساختارگرا (از ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰) و دوره‌ی پس‌ساختارگرا. اولین دوره‌ی روایت‌شناسی، دوره‌ی پیش ساختارگرا است. تا اواخر قرن نوزدهم، نظریه‌پردازان ادبی مطابق نظر ارسطو در بوطیقا، مفهوم محاکات را (بازنمایی، که ترجمه‌ی بهتری به جای تقلید است) روایت معتبر تلقی می‌کردند (مکاریک، ۱۳۸۵: ۱۵۰).

روایت‌گری و علم روایت‌شناسی

۱. Barthes, Roland

۲. Scholes, Robert E

واژه‌ی روایت‌گری اشاره دارد به فرایند ارتباط که به واسطه‌ی آن فرستنده در قالب پیام روایت را برای گیرنده ارسال می‌کند و همچنین به ماهیت کلامی رسانه که پیام را انتقال می‌دهد، اشاره دارد (ریمون - کنان، ۱۳۸۷: ۱۰). ریمون-کنان^۱ روایت‌گری را در کنار مؤلفه‌هایی چون داستان و متن قرار می‌دهد و با این سه مؤلفه، زنجیره‌ای تشکیل می‌دهد، به این صورت که داستان را توالی رخدادها می‌داند و متن، کلامی شفاهی یا مکتوب که نقل رخدادها را بر عهده دارد. در انتهای این زنجیره به روایت‌گری می‌رسد و آن را کنش یا فرآیند خلق اثر می‌داند (همان، ۱۲).

روایت‌شناسی به عنوان اصطلاحی ساختگرا ترجمه‌ی واژه فرانسوی *narratologie* است که اولین بار تزوتان تودوروف^۲ (۱۹۳۹ ت) در سال ۱۹۶۹ آن را در کتاب *دستور زبان دکامرون* به کار برده است. روایت‌شناسی پژوهشی علمی و به عبارتی دستور زبان عملی روایت است. کلمه‌ی روایت و مشتقات آن از گناروس (*gnarus*) که فعلی یونانی به معنی «دانستن» است گرفته شده است. این بدان معناست که روایت دانش است و راوی کسی که می‌داند. به عبارت دیگر دانش در جامعه به شکل روایت تولید و منتقل می‌شود (افخمی، ۱۳۸۲: ۵۶).

رولان بارت (۱۹۸۰-۱۹۱۵) آغاز روایت را به ابتدای تاریخ بشر مربوط می‌داند و بر این باور است که هیچ مردمی بدون روایت نزیسته‌اند. او روایت را بین المللی، فراتاریخی و فرافرهنگی می‌داند، درست مثل خود زندگی که همه جا هست (همان، ۵۶). بررسی نظام حاکم بر روایت‌های داستانی در حوزه‌ی نظریه و دستور زبان روایت و روایت‌شناسی ادبیات داستانی مطرح می‌شود. از این رو، روایت‌شناسی یا نظریه‌ی روایت، علم مطالعه‌ی ساختار و دستور زبان حاکم بر روایت‌هاست، نوعی نظریه‌ی ادبی است و نظریه‌ی ادبی «شرح مستدل ساختار روایت، عناصر داستان‌سرایی، ترکیب‌بندی و نظم و نسق مؤلفه‌های داستان است» (حری، ۱۳۸۸: ۱۹۴).

و اما به زعم ریمون-کنان روایت‌شناسی: «شرحی از نظام حاکم بر تمام روایت‌های داستانی ارائه می‌دهد و نیز شیوه‌ای را که ضمن آن می‌توان تک تک روایت‌ها را به منزله‌ی محصول منحصر به فرد نظامی همگانی مطالعه کرد.» (ریمون-کنان، ۱۳۸۷: ۱۳). از این نظام حاکم بر روایت‌ها با عنوان «نظریه‌ی روایت» و از شیوه‌ی بررسی و تحلیل تک تک روایت‌ها با عنوان «روایت‌شناسی» یا رویکرد روایت‌شناختی به ادبیات داستانی یا داستان‌روایی یاد می‌کنند.

۱. Rimon – Kenan , Shlomith

۲. Todorov, Tzvetan